

راز نگار

پژوهشی در تصویر زنان در سده سیزدهم

مریم لاری



پژوهشگاه هنر

سروش‌نامه: لاری، مریم

عنوان و نام راز نگار: پژوهشی در تصویر زنان در سده ی سیزدهم

پدیدآور: مولف مریم لاری

مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۲۲ص: مصور (زنگی).

شابک: 978-600-93491-1-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: پژوهشی در تصویر زنان در سده ی سیزدهم.

موضوع: نقاشی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: زنان -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان. ۱۲۹۲ -- ۱۳۴۴ ق. -- زنان

موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان. ۱۲۹۲ -- ۱۳۴۴ ق. -- زنان درباری

شناسه افزوده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده هنر

رده بندی کنگره: ۷۳۹.۱ ۲ ۱۲/۱۹۸۱

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۴۹۰۵



پژوهشکده هنر

انتشارات پژوهشکده هنر

راز نگار

پژوهشی در تصویر زنان در سده ی سیزدهم

پدیدآورنده: مریم لاری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: جزایری

شمارگان: ۵۰۰

شابک: 978-600-93491-1-1

پژوهشکده هنر در راستای برآورده ساختن نیازهای هنری جامعه، کتاب حاضر را در اختیار علاقه‌مندان حوزه

پژوهشی و هنری قرار داده است.

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از تقاطع امام خمینی (ره)، نبش کوچه شهید سخنور شماره ۲۹

تلفن: ۲ - ۶۶۹۵۶۱۸۹ نمابر: ۶۶۴۸۰۹۴۵ کد پستی: ۱۱۳۷۶۳۸۱۱

سخن ناشر

ایران با سابقه‌ای درخشان و چشمگیر در فرهنگ و تمدن، میراثی گرانبها از دانش، حکمت، ادب و هنر به پا ساخته و در گذر زمان، روابط و تعاملات فرهنگی بسیار گسترده‌ای با تمدن‌های بزرگ خاور و باختر داشته است. این روابط بین‌فرهنگی در دوره اسلامی و پیش از آن، زمینه‌ساز تعاملات گسترده‌ای در حوزه هنر بوده است. ایرانیان از یکسو هر آنچه را که با دین و آیین و نیازهای بومی فرهنگی و اجتماعی‌شان سازگار بوده است آگاهانه و هوشمندانه از فرهنگ سایر ملل دریافت کرده‌اند و از سوی دیگر همواره نقش عمیق و مؤثری در فرهنگ و هنر جوامع مختلف داشته‌اند.

جریان‌های فکری و اندیشه‌ورزی‌های تمدن‌ساز همواره در بستر تلاش روشمند، مسأله‌محور و هدفمند دانشمندان، پژوهشگران و فرهیختگان جوامع شکل گرفته است. بی‌شک دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ بشر حاصل هم‌افزایی دانش و پژوهش اندیشمندانی است که با همفکری و هم‌اندیشی به نشر دستاوردهای پژوهشی خود پرداخته و الگوها و روش‌هایی بدیع و خلاقانه برای تبیین مسائل دنیوی و اخروی و رشد فضیلت‌های انسانی ارائه داده‌اند.

هنر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسانها داشته و نقشی محوری را در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. هنر هر جامعه‌ای در بستر فکری و فرهنگی، دینی و اعتقادی و مطابق با شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد و مطالعه، تحقیق و نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ و هنر، قلمرو بسیار گسترده، متنوع و پرجاذبه‌ای را پیش روی پژوهشگران و علاقمندان هنر می‌گشاید. با این حال چنین فعالیت‌هایی مستلزم بسترهای فکری و معرفتی، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اصول ساختاری و روشی، و منابع مادی و معنوی‌ای است که جامعه و نهادهای اجتماعی برای محققان و اندیشمندان فراهم

می‌سازند، زیرا مطالعات و پژوهش‌های پیرامنه، روشمند، منسجم و مستمر، و آگاهی از نتایج تحقیقات دیگران، بدون تحقق این بسترها و زمینه‌ها حاصل نمی‌شود.

نتایج و دستاورهای نظری و عملی چنین مطالعات و پژوهش‌هایی، راه‌های جدید و روشنی را در رشد معرفتی و فرهنگی افراد بشر و بسط تعاملات اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌نهد و بینش‌ها، نگرش‌ها و چشم‌اندازهای نویی را پیش روی هنرجویان و هنرپژوهان می‌گذارد. از این رو توجه به مطالعه، پژوهش، نقد و نظریه‌پردازی در حوزه هنر بر اساس نیازهای بومی از نیازهای اساسی حیات فرهنگی ایران اسلامی به شمار می‌آید که فقدان آن، منجر به فهم نادرست، تکرار یا پیروی از نظریه‌های غریبی در پژوهش‌ها و مطالعات هنر ایرانی - اسلامی و غفلت از نیازها، تعلقات و پیشینه تاریخی خویش می‌گردد.

پیوند عمیق بین عمل و نظر یا به تعبیری حکمت عملی و حکمت نظری در سنت فرهنگی این مرز و بوم ریشه‌دار و نهادینه بوده است. اما در دهه‌های اخیر، یکی از آسیب‌های جدی فعالیت‌های هنری شکاف بین نظر و عمل بوده است. لذا مطالعات نظری و فعالیت‌های پژوهشی باید به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر در سیاست‌گذاری فرهنگی و هنری مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشکده هنر (وابسته به فرهنگستان هنر) در راستای تمهید و گسترش زمینه‌های مطالعات و پژوهش‌های بنیادین، توسعه‌ای و کاربردی در حوزه هنر، نقد و بررسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های هنری بر اساس معیارهای متعارف و جوامع علمی و پژوهشی، و ایجاد بسترهای ارائه نظریه‌های کارآمد هنری، متناسب با نیازها و ارزش‌های دینی، ملی و بومی جامعه ایرانی، با دعوت از استادان و پژوهشگران فرهیخته و پرتلاش حوزه فرهنگ و هنر، برآن است به نشر آثار و منابع تخصصی و عالمانه در قلمرو هنر بپردازد.

کتاب راز نگار (پژوهشی در تصویر زنان در سده ی سیزدهم) تلاشی است در

فهرست مطالب

چکیده

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول

نگاهی به وضع زنان

زن و خانواده

زنان درباری

مشاغل و پوشاک زنان

آموزش زنان

زنان و حرکت های سیاسی - اجتماعی

زنان و هنر و ادبیات

فصل دوم

تصویر زنان در نقاشی سده سیزدهم

تصویر کلی

شیوه نگارستان

تصویر زنان در دوره گذار

رویکرد طبیعت

فصل سوم

تصویر زنان در اسلوب ها و مضامین

اسلوب ها

مضامین

فصل چهارم

تقابل های دوتایی در سه متن تصویری

بینامتنیت

خوانش تصویر

نقاشی دیواری، سفره ایرانی، سفره فرنگی

مکتبخانه و مدرسه جدید در نشریه شکوفه

۵ نقاشی لاکی شیخ صنعان و دختر ترسا

سخن آخر

فهرست منابع فارسی

منابع غیر فارسی

چکیده

این پژوهش تصویر زنان را در نقاشی سده سیزدهم بررسی می‌کند. بررسی تغییرات نقش زنان در نقاشی (از نظر مضمونی و بیان بصری) در رابطه با تحولات اجتماعی - سیاسی دوران (تجددگرایی و مشروطه - خواهی) از اهداف این تحقیق است. از طرف دیگر شناخت رابطه این تغییرات با مهمترین چالش این دوران یعنی تقابل بین دو قطب شرق و غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحلیل و تأویل بر اساس متون کلامی (سفرنامه‌ها، مدارک تاریخی، تحلیل‌ها و ...) و متون تصویری (حدود ۹۰۰ تصویر نقاشی و عکاسی از زنان) انجام گرفت. خوانش متون (تصویری و کلامی) با پذیرش خواننده (پژوهشگر) به عنوان عنصری فعال و موثر و با هدف کشف معانی و لایه‌های پنهان صورت گرفت و پژوهش می‌کوشد تا با روش تحقیق کیفی به خوانش تصاویر زنان بپردازد و خوانش‌های جدیدی را در رابطه با بستر اجتماعی و هنری معاصر برانگیزد.

واژگان کلیدی: تصویر زنان، سده سیزدهم، عکاسی، نقاشی، بینامتنیت.

پیشگفتار

این پژوهش در قلمرو مثلثی شکل می‌گیرد که سه گوشه آن را موقعیت اجتماعی زنان، نقاشی و عکاسی سده سیزدهم تشکیل داده است. و در واقع مروری بر نقاشی این دوران با محوریت تصویر زنان است. زنان در این دوران عملاً به زندگی تازه‌ای در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی دست یافتند و اگرچه تلاش‌های ایشان به موفقیت کامل نینجامید، اما برای ایشان سرگشت تازه‌ای رقم زد که اثرات آن تا امروز ادامه دارد و این دوران را عصر یگانه‌ای به حساب می‌آورد. از طرف دیگر نقاشی دوران قاجار در بحال مستقیم با نقاشی اروپایی قرار گرفت که خود بازتابی از تقابل اصلی دوران، یعنی شرق و غرب قرار داشت. بنابراین چنین به نظر می‌رسید که پرسش‌های نوظهور هنرمندان تنها با یافتن پاسخ‌های همه‌جانبه و جامع در مورد کلیه وجوه این تقابل در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به یافتن جوابی بیانجامد. چگونگی تداوم هنر سنتی، موضوع هویت ملی در رابطه با هنر جهانی و اشکال جدید بیان هنری چه از نظر بصری و چه به لحاظ مضامین، از جمله سئوالاتی بودند که امروزه نیز درخور توجه و بررسی بسیار است و شناخت زوایای تاریک و نامشخص آن جای تفکر فراوان دارد.

تعمیم حوزه تجسمی به سایر متون و معنایی از طریق تقابل متون کلامی، تجسمی و شرایط اجتماعی از دغدغه‌های این پژوهش می‌گیرد و فصل‌های این تحقیق در رابطه با آنها شکل می‌گیرد. این پژوهش می‌کوشد تا با تحلیل و تأویل به سئوالات اصلی این پژوهش پاسخ دهد و

در نهایت رابطه معنادار و چند جانبه‌ای بین تصاویر زنان و بستر و تحولات اجتماعی آن دوران بیابد. از طرف دیگر با درگیر نمودن خواننده و ایجاد معناهایی تازه در ذهن وی به این نکته بیانجامد که یک خوانش هرگز حاوی کلام اول و آخر نیست. سئوالات بنیادی این پژوهش را می‌توان در چند پرسش اساسی خلاصه نمود:

- ۱- رابطه تصویر زنان و تحولات اجتماعی سده سیزدهم چیست؟
- ۲- بیان تصویری حضور زنان در اسلوب‌ها و مضامین متداول این دوران کدامست؟

از آنجا که پاسخ جامعی در مورد وضعیت اجتماعی زنان و رابطه متقابل آن با تصاویر ایشان در سده سیزدهم ارائه نشده است، یافتن جایگاه زنان در تصاویر می‌تواند گامی در جهت شناخت وضع آنان نیز محسوب گردد. این شناخت نه از یک صدای واحد و تک‌گویانه بلکه از مجموع صداهایی که گاه گنگ و ضعیف هستند حاصل خواهد شد. بنابراین نشان دادن روند تغییر از نظر صوری و مفهومی در طی این دوران از اهمیت خاصی برخوردار است. این روند که با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی تغییر می‌یابد، همچون پژواکی پرتپا در نقاشی‌ها شنیده می‌شود. مهمترین فرضیه تحقیق وجود رابطه‌ای معنادار بین تصاویر زنان در نقاشی و غرب‌گرایی است. چنین به نظر می‌رسد که این رابطه از نظر شکل بیان تصویری، مضامین و اسلوب‌ها به سویی حرکت نمود که از آغاز سده سیزدهم آگاهانه و ناآگاهانه به طرف آن جهت‌گیری نموده بود.

در حوزه مطالعات هنری، روش‌های تحقیق کیفی نسبت به روش‌های کمی دارای برتری می‌باشند، چرا که آثار هنری پس از تولید از زمینه اصلی خود فاصله می‌گیرند و تأویل آنان با روش‌های متداول کمی امکان‌پذیر نیست. بنابراین تأکید اصلی این تحقیق بر تفسیر تصاویر (از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها) است. درک و قبول این مسأله که ویژگی-های فردی محقق بر تأویل او اثر می‌گذارد، از مهم‌ترین خصوصیات تحقیق کیفی است. چنانچه می‌توان گفت که محقق «بی‌طرف» وجود ندارد؛ هر محقق پیش‌متن‌های خود را همراه دارد که شامل مواردی چون جنسیت، ملیت، طبقه اجتماعی و تاریخچه زندگی می‌باشند، بدین سبب عوامل شناخته‌شده و نیز ناشناس بر برداشت او اثر می‌گذارند. تلاش محقق «بی‌طرف» می‌تواند در این جهت باشد که با امانت‌داری از تقلیل‌گرایی بپرهیزد و ذهن خود را در جهت پذیرش ایده‌هایی که او را به کلیتی جامع رهنمون می‌سازد باز نگارد و از طرف دیگر با یاری جستن از روش‌های گوناگون، تحقیق خود را به مثابه فرایندی بنگرد که وی در طی آن با صداقت در جستجوی حقیقت شخصی است؛ وی می-بایست همواره بدین نکته واقف باشد که حقیقت به طور کامل توسط یک فرد و در یک برهه زمانی خاص قابل دسترسی نیست.

این پژوهش با جمع‌آوری مدارک متون تصویری (نقاشی، طراحی و عکاسی) و متون کلامی (کتابهای فارسی و غیرفارسی، مقالات، پایان‌نامه‌ها و جستجوی اینترنتی) آغاز گردید و پس از طبقه‌بندی و فیش-برداری به بررسی داده‌ها پرداخت. در زمینه متون کلامی بیشتر از متون دست اول شامل سفرنامه و مطالب نویسندگان سده سیزدهم و در زمینه

مطالعات تاریخی از دستاوردهای افراد متخصص استفاده گردید. حدود ۹۰۰ متن تصویری اعم از نقاشی، طراحی و عکاسی جمع‌آوری و کدگذاری شدند و بر حسب اسلوب، پدیدآورنده، تاریخ پیدایش اثر و مضمون مرتب گردیدند. تحلیل محتوایی با تقابل متون تصویری و کلامی صورت گرفت و بعضی از تصاویر در جهت هدفی که پژوهشگر در جستجوی تبیین آن بود، در کنار یکدیگر قرار گرفتند. در این میان، برداشت‌های بصری پژوهشگر که مبتنی بر تجربیات شخصی وی بودند، سهم زیادی داشتند.

به عنوان پیشینه به برخی از پایان‌نامه‌ها می‌توان اشاره نمود: خدیجه محمدی وامقی^۱، به بازنمایی تصویر زنان در عکس‌های دوران قاجار می‌پردازد و این تصاویر را در رابطه با وضع زنان در این دوران بررسی می‌کند. مرجان مومنان^۲، به نفوذ فرهنگ و تمدن غربی در اواخر دوره صفویه و مخدوش بودن هویت زنانه در آثار دوران صفوی و قاجار توجه می‌کند و به تغییر نقش زنان اشاره می‌کند. بجز پایان‌نامه‌ها، برخی از کتاب‌هایی که در فهرست منابع آمده‌اند، به عنوان پیشینه این تحقیق محسوب می‌شوند. از میان منابع ارزشمند غیرفارسی کتاب دکتر افسانه

۱- محمدی وامقی، خدیجه (۱۳۸۶)، بازنمایی زنان در عکسهای اواخر قرن ۱۹ میلادی، استاد راهنما: دکتر محمدحسن سمسارزاده، استاد مشاور: دکتر محمد تقی آشوری، کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.

۲- مومنان، مرجان (۱۳۷۷)، هویت زن در نگاره‌های دوره صفویه و قاجاریه، استاد راهنما: دکتر نوشیندخت نفیسی، استاد مشاور: محمدتقی آشوری، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.

نجم‌آبادی با محوریت جنسیت در دوران قاجار، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

این پژوهش بر اساس پایان‌نامه دکتری نگارنده به سال ۱۳۸۷ در دانشگاه هرو با راهنمایی استاد مهدی حسینی و مشاوره دکتر سیروس یگانه شکل گرفت و از شکل متداول آکادمیک برخوردار بود اما برای چاپ مورد بازبینی قرار گرفت و شکل کلی آن در چهار فصل تنظیم گردید؛ از طرف دیگر برخی از تصاویر به سبب ملاحظات اخلاقی حذف شدند. فصل اول در نگاهی کلی به شرایط اجتماعی زنان در دوره قاجار می‌پردازد چرا که خوانش تصاویر زنان در این دوران بدون درک نسبی شرایط اجتماعی ایشان ناممکن به نظر می‌رسید. فصل دوم به تصویر زنان در سه شیوه غالب ناشی دوران اختصاص دارد. در این فصل پس از نشان دادن تصویری کلی درباره خصوصیات عام هنر ایرانی و چالش اصلی این دوران (شرق و غرب)، تصویر زنان در شیوه نگارستان (پیکرنگاری درباری)، دوره گذار و طبیعت‌گرایی بررسی می‌گردد. فصل سوم به تصویر زنان در مهم‌ترین اسلوب‌ها و مضامین اختصاص دارد و در فصل چهارم سه متن تصویری با رویکرد بینامتنی مورد خوانش قرار می‌گیرند؛ در این فصل به کمک شناخت شرایط اجتماعی تولید اثر (به مثابه یک متن)، تصاویر، سفرنامه‌ها و سایر متون، تقابل‌های بنیادی دوران و لایه‌های پنهان اثر را شناسایی می‌کند. به عنوان پیش‌زمینه، بخشی به بینامتنیت به مثابه رویکرد اصلی و بخش دیگری به شیوه خوانش تصویر در نقد نو اختصاص یافته است. با توجه به این نکته که در نقد نو، مخاطب اثر به مثابه عنصری خلاق و فعال در نظر

گرفته می‌شود، ذکر این مطلب اساسی است که این پژوهش، کاری به شیوه معمول تاریخ‌نویسی آن به حساب نمی‌آید بلکه تنها کوششی برای خوانش تصاویر مربوط به زنان در این دوره است که احتمال خوانش مجدد و گشودن لایه‌های تازه را توسط دیگران (و حتی خود نگارنده) در زمان‌های مختلف باز نگاه می‌دارد. در زمینه جمع‌آوری منابع تصویری از موزه‌ها و مجموعه‌های ایرانی محدودیت‌های زیادی وجود دارد که برخی از آنها از جهت حفظ گنجینه قابل درک است اما شایسته است که این مراکز مانند اکثر مراکز تحقیقاتی دنیا، این آثار را چاپ کرده و در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در پایان از مساعدت‌های بی‌دریغ اساتید گرامی آقای مهدی حسینی، آقای دکتر سیروس یگانه و آقای دکتر بهمن نامور مطلق سپاسگزارم.

مریم لاری^۱

زمستان ۹۰

مقدمه

زمان مورد بحث در کتاب پیش رو، دوره متحولی است که در قیاس با دیگر دوره های تاریخ و سده اخیر ایران، نظیرش را کمتر بتوان یافت: دوره قاجار و حضور زنان در عرصه اجتماعی و آثار نقاشی. دوره ای که برای نخستین بار و به طور مستقیم ایران و جامعه سنتی همراه آن، با مدرنیته مواجه می شوند و ناگزیر از پذیرفتن این تحول و روبه رو شدن با این انقلاب عظیم اند. ولی این رویارویی به سادگی قابل انطباق و پذیرش آن از سوی جامعه سنتی نبود. مدرنیته اعتقادات، اندیشه، رسوم و سنن را دگرگون می سازد و نظم نوینی را جایگزین آن می نماید که از هر جهت در تعارض با ساختار پیشین است. مدرنیته به خرد جمعی اعتقاد دارد و در تحکیم و استمرار آن می کوشد، در حالی که نظام سنتی، در جوامع با گذشته تاریخی طولانی، مانند ایران، هند، عثمانی و چین، معتقد به قدرت و سلطه پایدار و فرد محور، سلطان، پاشا یا امپراتور است. از سوی دیگر مدرنیته ریشه در اندیشه انتقادی دارد و پیوسته پایگاه اعتقادی خود و دیگران را به چالش می کشد و از بنیاد سنت سستیز است.

حال آن که جوامع سنتی به شدت پایبند اعتقادات و رسوم است و به سختی قادر است آنها را از خود جدا ساخته و نظم نوینی جایگزین آن نماید. هم چنین مدرنیته به این اصل اعتقاد دارد که چنانچه بخواهیم تحول و پیشرفت را تجربه کنیم ناگزیریم با اندیشه مرفی همسو با آن:

احترام به قانون، آزادی بیان، آرای عمومی و حقوق فردی، خود را دمساز ساخته و همگام با آن حرکت نماییم.

مجموعه این عوامل سبب شد تا در سده سیزدهم ه.ق. دولتمردانی چون عباس میرزا، برای رهیافت و نجات جامعه از محدودیت سنت، جوانان مستعد را برای کسب دانش و تجربه مدرنیته به اروپا گسیل دارد. نیز، متفکرانی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، جریان های فکریه، را برای صورت بخشیدن به انجام این امور آغاز نمودند.

سید جمال الدین اسفآبادی (۱۳۱۵-۱۲۵۴ ه.ق. / ۱۸۹۷-۱۸۳۸ م) از اندیشمندان و فعالان این دوره، در روزنامه *عروة الوثقی*، نشریه ای که در سال ۱۸۸۴، در پاریس، منتشر می ساخت، وسیله تحقق مدرنیته در جوامع سنتی و مسلمان را در:

- پاک کردن اسلام از خرافات
 - محکومیت سنت پرستی کورکورانه و تقلید صرف.
 - مبارزه با ناسیونالیسم محلی
 - مبارزه با استبداد فرمانروایان و پذیرش اصول فلسفه سیاسی غرب
 - پذیرش علم و فن جدید
- می شناخت و در تعمیم آن همت گماشت و عاقبت عمر را بر سر آن باخت.^۱

افکار جدید، در سده سیزدهم ه.ق. تنها در عالم خیال و یا حداکثر به صورت یک بیانیه، بر روی صحیفه ای از کاغذ به جا نماند و برای عملی ساختن آن نخستین پایگاه اندیشه مدرن، یعنی دارالفنون، به همت میرزا تقی خان امیرکبیر، در سال ۱۲۶۸ ه.ق / ۱۸۵۱ م. با طراحی میرزا رضا مهندس باشی و مباشرت محمدتقی خان معمار باشی، رئیس اداره بنایی دیوان اعلی، صورت عملی و عینی به خود گرفت.

هرچند، امیرکبیر، بایه گذارد، دارالفنون و مدرنیتیه در ایران، به سعایت دشمنان، زنده نماند تا نتیجه اندیشه های مرقی و اقدامات اش را شاهد باشد، ولی دقیقاً از میان فارغ التحصیلان همین موسسه آموزش عالی است که نخستین متخصصینی که ایران را به سوی افق های نوین هدایت کردند، برخاستند.

اگرچه تمام فارغ التحصیلان مدارس عالییه (دارالفنون) و مدارس تخصصی هنرهای تجسمی (صنایع مستطرفه) مردان بودند، ولی جامعه نسوان که نیمی از جمعیت آن روز ایران را شامل می شدند، نمی توانست بیرون از این تحولات، در بستر جامعه و فرهنگی که رو به سوی تحول و گسترش داشت، باقی بماند. بیشترین نموده این حضور و تأثیربخشی را می توان در پرده های نقاشی و آثار بی نظیری که میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع الملک) و همکارانش، در شش جلد از داستان های هزار و یکشب، مصور ساخت، آشکارا، شاهد بود. در این نگاره ها، چون بیشتر صورت خصوصی داشت^۱ و جمعی خاص امکان

۱- اجراهای موسیقی، رقص، و تأثر که بیشتر جنبه جمعی و همگانی داشت و در فضاهای عمومی به اجرا در می آمد کمتر و یا اصلاً از چنین وسعتی برخوردار نبود.

دسترسی به آنها را داشت، زنان و جامعه نسوان، ساده تر و بی پرده تر به نمایش درآمده و نمایشگر حالت، رفتار، پوشش، آرایش و سلیقه آنها در بیرون، درون و اندرون می باشد. در آغاز، اگر به هنگام رقص و نمایش، مردان به کسوت زنان و با آرایش نسوان در صحنه حاضر می شدند، داستان های هزار و یکشب و پرده های نقاشی، زنان با زیباترین آرایه ها آرایش شده و با خوشی ترین طرح و رنگین ترین پوشش، نگارگری و یا نقاشی شده اند.

در داستان های هزار و یکشب، زنان در بازار، خانه و خلوت، همگام با عناصر داستان تنظیم و ترکیب شده و تصویر جامعی از موقعیت زنان را در جامعه ای رو به تحول آشکار می سازند.

یکی از پرده های درخشان این دوره، که مبین گذار از سنت به سوی مدرنیته است، پرده نقاشی اسماعیل جلایر با عنوان «زنان دور سماور» به شیوه رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۹۵۰×۱۲۲۸ م، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن است. از تاریخ تولد اسماعیل جلایر اطلاع دقیقی در دست نیست و تاریخ وفات وی بین سال های ۱۲۹۰-۱۲۸۵ ه.ق. تخمین زده شده است.

جلایر از موفق ترین فارغ التحصیلان دارالفنون و مورد توجه دربار و هنرمندی با استعداد و نومایه بود. در پرده «زنان دور سماور»، جلایر زنانی با لباس و ویژگی های سده سیزدهم را به طرز هوشمندانه ای کنار هم چیده است. سماور که در ابتدا از روسیه به فرهنگ ایران وارد شده در بخش نخست پرده قرار دارد و فنجان های چای اروپایی در دست زنان مجلس و پیش زمینه پرده، کاملاً مشهود است. آرایش و پوشش سنتی

زنان در جوارِ سماور (نمادی از شمال، روسیه) و فنجان‌های اروپایی (نمایشی از نفوذ غرب) نشان از امتزاجی دارد که جامعه و هنرمند با آن رو به رو است و لاجرم از جذب و هضم آن است.

جلالیر به طرز ظریفی، در این پرده، همزیستی سنت و مدرنیته را، در یک جامعه رو به تحول، آشکار ساخته و بیانیه تصویری خلاقانه‌ای از این دوره به جا نهاده است.

کتاب حاضر کوشش مستند و محققانه‌ای، با تأکید به حضور زنان، در آثار نقاشی و تصویرسازی سده سیزدهم هجری-قمری است. رویکرد مؤلف در این تحقیق، ویکردی بینامتنی است و تلاش دارد تا همراه با بیان روابط فرمی و سبکی آثار به جا مانده از زنان این دوره، لایه‌های متکثر درونی آثار را، که در قالب عکس، طرح و نقاشی از این دوره به جا مانده، بررسی نموده و برای مخاطب آشکار ساخته است.

مهدی حسینی

تهران، ۱۳۹۱